

ارزیابی و سنجش تأثیر ظهور جریان‌های نوسلفیه بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

حسین نصیرزاده*
مهناز گودرزی**

۲۶۱

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نخست، شماره
بیست و پنجم
پاییز ۱۳۹۶

چکیده

منطقه خاورمیانه طی چند سال اخیر و به طور مشخص، پس از واقعه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ با چالش‌ها و ناامنی‌های گسترده‌ای مواجه شده که آثار آن را به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌توان در ابعاد مختلف سیاسی-اقتصادی و حتی فرهنگی-مذهبی مشاهده نمود. زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ در منطقه که با بهره‌گیری از جمود فکری برخی از فرقه‌های سیاسی و مذهبی اسلام‌گرا همراه شده، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که افزون بر تشدید منازعات سیاسی، منازعات مذهبی را نیز تقویت کرده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که ظهور جریان‌های نوسلفیه چه تاثیری بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با ظهور موج جدید جریان‌های تکفیری-سلفی متعاقب بیداری اسلامی در خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌های جدیدی در عرصه‌های مختلف ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی برخوردار شده که از آن جمله می‌توان به بدل شدن ایران به قدرت مسلط منطقه‌ای، نقش پیش‌تاز آن در مبارزه با تروریسم تکفیری داعش و سایر گروه‌های مشابه، تحول ژئوپلیتیک شیعه و کانونی شدن نقش ژئوپلیتیک ایران اشاره کرد. روش جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین یافته‌های تحقیق به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اسلام، سلفیه، نوسلفیه، گروه‌های تکفیری، خاورمیانه، ایران

* دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
** عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه روابط بین‌الملل، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول). m.goodarzi@khuisf.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۵/۸ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۳/۱۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، صص ۲۷۸-۲۶۱

شکل‌گیری گروه‌ها و جریانات سلفی- تکفیری، یکی از مهمترین رویدادهای متأخر ایدئولوژیکی و فکری-سیاسی تاریخ مسلمانان به شمار می‌آید که توانسته است به پشتوانه‌ی ادبیات فقهی و کلامی و نیز نشانه‌شناسی متکی بر شبکه‌ی معنایی خاص خود، به تاثیر و نقش‌آفرینی فزاینده‌ای در سپهر سیاسی جهان اسلام دست یابد. در این میان، خاورمیانه با موقعیت حساس و عمیق ژئوپلیتیکی، یکی از معدود مناطقی است که همواره از بدو شکل‌گیری ایده‌ی سلفی‌گری به‌طرز گسترده‌ای درگیر آن بوده است؛ به‌گونه‌ای که این منطقه همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های فکری و عملی این جریان بوده است. سلفی‌گری جریانی فراملی است که از پاکستان تا مصر حامل و مبلغ یک اندیشه‌ی بنیادی است، اندیشه‌ای که دست‌کم واجد چهار ایده‌ی اساسی است:

• هر تفسیری جز ظاهر کلام خدا در قرآن و سیره و احادیث پیامبر اسلام (ص)، بدعت و مردود است؛

• برکت جستن از چیزهای جامد و بی‌روح و یاری خواستن از جز خدا در همه‌ی امور، زیارت قبور صالحان و غیب‌جویی همگی مصداق شرک است؛

• نفی دستاوردهای مدرنیته، خصوصاً دولت- ملت و ستفالیابی و ایدئولوژیک کردن سنت؛ و

• هیچ‌کدام از حکومت‌های موجود در جهان اسلام واجد مشروعیت نمی‌باشند و بازتاب اصول و ارزش‌های اسلام اصیل نیستند و در نتیجه آنها باید با یک خلافت جهانی جایگزین شوند (مک‌کانتز، ۲۰۱۵: ۱۴۷).

دو ایده‌ی فوق، علی‌رغم ریشه‌های کهن آن که از سوی احمد ابن حنبل (قرن دوم و سوم هجری)، احمد ابن تیمیه، ابن قیم الجوزیه و محمد بن عبدالوهاب تأیید و تشریح شده است، به نسبت پدیده‌ای معاصر محسوب می‌شود، به‌نحوی که امروزه نقش قابل‌توجهی در تحولات سیاسی- اجتماعی و نیز اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا ایفا می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷).

امروزه، جریان سلفی- تکفیری به اعتبار نفی تمامی گفتمان‌های اسلامی و رد تمامی رقبای خود، «تکفیری» نیز نامیده می‌شود. از جمله این گروه‌های تکفیری می‌توان به

گروه‌های النصره، داعش (دولت اسلامی شام و عراق) و القاعده در سوریه و عراق اشاره نمود (دهسرخي و ديگران، ۱۳۹۴: ۳۳). اين گروه‌ها علاوه بر به وجود آوردن بحران در سوریه و عراق، به دنبال دو قطبی نمودن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند که در صورت وقوع این امر، روند اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

۱. ادبیات تحقیق

- بیگدلو و نایب پور (۱۳۹۵) در پژوهشی باعنوان «تحلیلی تاریخی - جامعه‌شناختی بر پیدایش جریان‌های سلفی و پیامدهای امنیتی آنها» معتقدند که بنیادگرایی به مفهوم امروزی آن، به عنوان یکی از پیامدهای گسترش مدرنیته، در جهان اسلام عمدتاً با نام سلفیه شناخته می‌شود. گرچه دغدغه اصلی سلفیه حفظ و احیای هویت اسلامی است که احساس می‌شود، در معرض تهدیدات اساسی واقع شده است، لیکن سلفی‌گری افراطی با تفسیر ظاهری و منحصر به فرد از قرآن و حدیث و با طرح مفاهیمی چون جهاد و امر به معروف، به رویکرد مسلحانه و خشونت‌آمیز روی آورده و با قرار دادن خود و همفکران‌شان در دایره توحید، بقیه مسلمانان و انسانها را در دایره شرک و کفر قرار می‌دهد. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که تشدید فرقه‌گرایی، گسترش خشونت، تهدید انسجام جهان اسلام و زمینه‌سازی برای حضور قدرت‌های بزرگ در سرزمین‌های اسلامی از مهم‌ترین تهدیدات سلفی‌گرایی افراطی است.

- کرم‌زادی (۱۳۹۵) در پژوهشی باعنوان «سلفی‌گرایی جهادی-تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه» معتقد است که جریان فکری سلفی در نتیجه مسائلی مانند حمله شوروی به افغانستان (۱۹۷۹)، حمله آمریکا به عراق (۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) و افغانستان (۲۰۰۱) جنبه نظامی و خشونت‌آمیزی به خود گرفت و در دو دهه اخیر فعالیت‌های آن افزایش پیدا کرده است. اما پس از خیزش‌های مردمی در جهان عرب که از سال ۲۰۱۰ شروع شد و بی‌ثباتی‌های گسترده ناشی از آن، گروه‌های افراطی جهادی قدرت و گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده‌اند و در مناطقی حکومت اسلامی به سبک خود را تاسیس کرده‌اند. افزایش توان و دامنه فعالیت این گروه‌ها ثبات سیاسی منطقه و جهان را متاثر کرده و به تهدیدی علیه ثبات جهانی تبدیل شده است. اما مهم‌ترین و مخرب‌ترین

تاثیرات آن در منطقه خاورمیانه بوده است که می‌تواند در آینده بی‌ثباتی‌های سیاسی بیشتری پدید آورد؛ بی‌ثباتی‌هایی مانند جنگ‌های داخلی و جنگ بین کشورهای منطقه، جنگ‌های فرقه‌ای و قومی، و تجزیه سرزمینی.

- پورحسن و سیفی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام» معتقدند تحولاتی که طی سه سال اخیر در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا ایجاد شده، از زوایای گوناگون قابل تحلیل است. از بطن این تحولات، «سلفی‌گرایی سنتی» دچار دگرگونی شده و پدیده «نئوسلفیسم» به وجود آمده است. آنها با بررسی مولفه‌ها و عناصر گفتمان نئوسلفیسم، «دگرسازی شیعی» را وجه اساسی این گفتمان تلقی کرده و با رویکردی آینده پژوهانه و آسیب شناسانه، پیامدهای آن را در زمینه ایجاد اختلاف و تضعیف جهان اسلام تحلیل می‌کنند. آنها همچنین بر این باورند که تحولات نظری نئوسلفیسم در عرصه عمل سیاسی، پیامدهایی چون غلبه دگر درون دینی بر دگر خارجی و شیعه هراسی، دوقطبی‌سازی امت اسلام، تضعیف و ناکام‌سازی دولت‌های منطقه و ایجاد زمینه برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، مخدوش‌سازی نگاه بین‌المللی به جهان اسلام، قرارداد مجدد اسلام در دستورکار قدرت‌های جهانی، تغییر ژئوپلیتیک قدرت در منطقه خاورمیانه و افزایش قدرت و نقش رژیم صهیونیستی و در مجموع زمینه برای تضعیف جهان اسلام فراهم می‌کند و انرژی‌ها شده از بیداری اسلامی که می‌تواند باعث احیای قدرت واقعی جهان اسلام شود را خنثی و حتی معکوس می‌کند.

- کاواتورتا و مرون (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «سلفی‌گری پس از بیداری عربی»، استدلال می‌کنند که یکی از ویژگی‌های انقلاب‌های عربی موسوم به بیداری اسلامی و بهار عربی، ظهور و قدرت گرفتن گروه‌های سلفی در کشورهای درگیر تغییر بود. آنها معتقدند که مشخصاً انقلاب‌های عربی منجر به ایجاد نوعی از بین رفتن خفقان و شکل‌گیری روند رو به افزایش سیاسی‌گرایی در کشورهای عربی شد. البته بیشترین نقش در این روند را سلفی‌ها و جنبش‌های وابسته به آنها بر عهده داشتند. به عنوان مثال در مصر، یمن و تونس سلفی‌ها توانستند نقش بسزایی در فضای جدید سیاسی این کشورها ایفا کنند. نویسندگان این پژوهش، ورود سلفی‌ها به سیاست را بسیار نهادینه و سازمان

یافته می‌دانند و یکی از اهداف بنیادی آنها را ورود به سیاست می‌دانند. نویسندگان در ادامه نتیجه می‌گیرند که فرآیند نهادسازی و سیاسی‌سازی الزاماً باعث از بین رفتن گروه‌های سلفی و جهادی یا خفقان نمی‌شوند. بلکه می‌تواند به تنش‌ها و کشمکش‌های جهان سلفی‌گری نیز دامن بزند.

- مارتینی، ویلیامز و یانگ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «آینده‌ی روابط فرقه‌گرایانه در خاورمیانه» بر این باورند که در یک افق ده ساله، سناریوهای متعدد و احتمالی برای آینده‌ی خط سیر فرقه‌گرایی در این خاورمیانه وجود دارد. آنها معتقدند که قرار نیست که فرقه‌گرایی در یک دهه‌ی آینده شاهد کاهش یا افزایشی باشد. دلیل آن هم این است که شدت و حدت فرقه‌گرایی منوط به محرک‌هایی است که می‌توانند در هر جهتی عمل کنند. برخی از این محرک‌ها می‌توانند تحت تاثیر تصمیمات سیاستی ایالات متحده (و شرکای بین‌المللی) قرار بگیرند. برای نمونه، کیفیت حکمرانی، اوضاع اقتصادی و پرداختن به منازعات جاری جهت پیشگیری از سرایت آنها به جاهای دیگر همگی مستعد مداخلات سیاستی هستند. آنها در ادامه استدلال می‌کنند که تاثیرگذاری بر عواملی مانند ماهیت گفتمان مذهبی در خاورمیانه و نحوه‌ی تعریف جوامع از هویت خود، کاری بسیار دشوار برای بازیگران دولتی - علی‌الخصوص دولت ایالات متحده - است. آنها در پایان نتیجه می‌گیرند که فرقه‌گرایی یکی از عوامل محرک منازعه در سراسر منطقه است و این مسأله به واسطه‌ی جریان‌ات سلفی - تکفیری تشدید شده و بدل به یکی از مهمترین عوامل ایجاد منازعه در منطقه خاورمیانه شده است.

- گرین و پراکتر (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «استراتژی جامع نوینی برای مواجهه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب» استدلال می‌کنند که از بین بردن جذابیت ایدئولوژی‌های افراطی، نیازمند زمان درازی است، مبارزه‌ای که نسل‌ها به طول خواهد انجامید. آنها معتقدند که ایالات متحده و متحدانش نیاز فوری به استراتژی جامع نوینی برای مواجهه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب دارند، استراتژی که قاطع و مبتنی بر قدرت سخت و نرم باشد و واجد ۸ مولفه‌ی ساختاری باشد: ۱) تشدید پایداری در برابر ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه؛ ۲) سرمایه‌گذاری جامعه‌محور؛ ۳) اشباع بازار جهانی از ایده‌ها؛ ۴) هماهنگی سیاست‌ها و ارزش‌ها؛ ۵) به کار گرفتن ابزارهای نظامی و اجرای قانون؛ ۶) فعال‌تر کردن نقش

رهبری امریکا؛ ۷) گسترش مدل‌های کمیسیون مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌طلب؛ و درنهایت ۸) تأمین مالی فزاینده.

- پارسی (۲۰۱۶) و دیگران در پژوهشی باعنوان «گشایش حداکثری با ایران: چگونه ترامپ می‌تواند امنیت منافع آمریکا در خاورمیانه را تأمین نماید»، استدلال می‌کنند که نیم‌نگاهی گذرا به شطرنج ژئوپلیتیکی، نقش گریزناپذیر ایران در خاورمیانه را نشان می‌دهد. ایران قدرت ژئوپلیتیکی قابل توجهی دارد - میزان جمعیت و امکان بالقوه برای تولید ثروت - و در نتیجه این کشور مصمم است که یکی از قدرت‌های اصلی در خاورمیانه بزرگ باشد. واشنگتن نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد؛ بدون دخالت ایران هم نمی‌تواند در خاورمیانه ثبات را برقرار سازد. یا ایران بخشی از راه‌کار منطقه‌ای خواهد بود یا اصلاً راه‌حلی در کار نخواهد بود. مسأله تنها در اینجا است که ایالات متحده چگونه با ایران و نقش آن به‌عنوان یکی از قدرت‌های مهم در منطقه مواجه می‌شود. با تصدیق این واقعیت که ایران را نمی‌توان برای مدت نامعلومی محدود کرد، تعقیب سیاست عدم مداخله به حال منافع ایالات متحده مضر خواهد بود.

واقعیت این است که عمده‌ی پژوهش‌ها پیرامون سلفگرایی معطوف به جریانات سلفی قدیمی و نیز بعد نظری و نیز جنبه‌ی داخلی آن بوده است. به عبارت دیگر، غالب پژوهش‌ها به ریشه‌یابی جریانات سلفی و جهادی کلاسیک می‌پردازند و تاثیر آن را بر سیاست برخی کشورهای اسلامی بررسی می‌کنند. اما واکاوی تاثیرات همه‌جانبه‌ی نوسلفیه و خصوصاً ابعاد فکری-رفتاری آن و همچنین مخاطرات و چالش‌های آن برای کشورهای خاورمیانه، به ویژه در مورد جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. برآمدن داعش و تهدیدات روزافزون آن، پرداختن به این مسأله را دچار اهمیت روزافزونی ساخته است. بنابراین، این مقاله درصدد تمرکز بر نوسلفیه و جنبه‌های جدید فرصت‌ها و چالش‌های برآمده از آن برای ایران است.

۲. چارچوب نظری - مفهومی

سلفی یا سلفیه پیش از آنکه به عنوان یک مذهب شناخته شود، یک حرکت یا جریان عقیدتی - اجتماعی و البته گاهی سیاسی به شمار می‌رود. این جریان در طول تاریخ اسلام، چندین بار در نقاط مختلف جهان اسلام ظاهر شده است. به طور کلی، جریان

سلفیه در صدد احیای سیره سلف صالح یعنی مسلمانان صدر اسلام است. به عبارتی، هر بار که در امت اسلامی مذاهب و فرقه‌های مختلف با افکار و اندیشه‌های گوناگون شکل گرفته‌اند و باعث شده‌اند که هر دسته و گروهی از امت اسلام به سویی گرایش یافته و تفرقه و تشتت در میان آنها به وجود آید، فرد یا گروهی از افراد در گوشه‌ای از جهان اسلام به انگیزه از میان بردن بدعت در دین، قیام نموده و داعیه اصلاح طلبی در آیین پیامبر (ص) داشته و مدعی هستند که با مبانی خود، امت پیامبر (ص) را از جاده انحراف و اشتباه به صراط مستقیم برخواهند گرداند. این رویکرد فکری برای تحقق این هدف خواهان آن هستند که همه به سیره سلف صالح بازگردند و باید از آنچه در اعصار پس از پیامبر (ص) و اصحاب بزرگش افزوده شده است، دوری گزینند. از این رو است که به این جریان، سلفیه گفته می‌شود. بنابراین، بنیادی‌ترین مفاهیم آنان، «توحید» با قرائتی متفاوت و دینداری در چهارچوب فهم سلف صالح است. عملکرد آنان نیز، در برخی مواقع نص‌گرایی و مخالفت با دخالت عقل در فرآیند فهم دین و بهره‌برداری از مسأله تمایز بین جاهلیت و اسلام می‌باشد.

۳. ماهیت جریانات سلفی - تکفیری

سلفی یا سلفیه پیش از آنکه به عنوان یک مذهب شناخته شود، یک حرکت یا جریان عقیدتی - اجتماعی و البته گاهی سیاسی به شمار می‌رود. این جریان در طول تاریخ اسلام، چندین بار در نقاط مختلف جهان اسلام ظاهر شده است. به طور کلی، جریان سلفیه در صدد احیای سیره سلف صالح یعنی مسلمانان صدر اسلام است. بنابراین، بنیادی‌ترین مفاهیم آنان، «توحید» با قرائتی متفاوت و دینداری در چهارچوب فهم سلف صالح است. عملکرد آنان نیز، در برخی مواقع نص‌گرایی و مخالفت با دخالت عقل در فرآیند فهم دین و بهره‌برداری از مسأله تمایز بین جاهلیت و اسلام می‌باشد. این رویکرد را امروزه در قالب شاخه‌ها و خرده گفتمان‌های مختلفی تقسیم بندی می‌کنند. مهمترین وجه تمایز سلفیان جدید کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه تکفیر است (عدالت نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۷). تکفیر کردن را اولین بار خوارج علیه دیگر مسلمانان به کار بستند. درواقع تکفیرگرایی، مسأله نسبت جدیدی بود که ابن تیمیه آن را در آغاز دعوت خویش بسط داد و درنهایت، به اصول فکری گروه‌های سلفی راه یافت. در

دوران جدید محمد بن عبدالوهاب مفهوم تکفیر را وارد ادبیات سیاسی-دینی نمود. وی محدوده تکفیر را شامل مسلمانان و غیر مسلمانانی که همچون او نمی‌اندیشیدند، می‌دانست. به نظر وی مسلمانانی که غرق در پرستش سنت‌ها و زیارت مقابر (شیعیان) شده‌اند دچار شرک هستند. امروزه، جریان سلفی‌گری به اعتبار این شاخصه تکفیری نامیده نیز نامیده می‌شود (ستوده و خزائی، ۱۳۹۳: ۶). علی‌رغم برخی تفاوت‌های جزئی، دو اصطلاح تکفیری و سلفی عمدتاً به یک معنا به کار برده می‌شوند و تفکیک خاصی میان آنها وجود ندارد.

جریانات سلفی-تکفیری واجد مجموعه‌ای از الگوهای فکری-عملی هستند که این الگوها و روندها عبارتند از: تکفیر و هراس، کسب مشروعیت از خلافت، ایجاد دوقطبی خیر-شر، تقدس بخشی، ارائه‌ی بینش آرمانشهرگرایانه، ایدئولوژیک کردن سنت و ضدیت با مدرنیته، جنگ پسامدرن در برابر جنگ مدرن، خشونت مذهبی، بازتولید هراس، استفاده از خلاء قدرت و در نهایت انجام کارویژه‌های یک دولت مدرن. گروه‌های سلفی-تکفیری و بنیادگرای فعال در شامات و عراق به ویژه داعش به‌رغم تمامی تمایزات فلسفی و کارکردی دست‌کم در اصل نفی ناسیونالیسم در شکل دولت-ملت مدرن و تلاش برای احیای الگوهای حکمرانی نظیر خلافت و یا چیزی شبیه به آن همسو هستند. وجه سلبی هویت‌یابی رادیکالیسم بنیادگرا اساساً معطوف به نفی همین ویژگی و کنشگران و نظم برآمده از آن است و از آن‌جا که در تحلیل این گروه‌ها بعد سلبی درست به اندازه بعد ایجابی آن‌ها واجد اهمیت است، هر تحلیلی از کنش هواداران این قبیل گروه‌ها بدون توجه به نظام غیریت‌سازی و نفی و طرد آنها تصویری ناقص از مسأله ارائه خواهد کرد. در نفی ناسیونالیسم دموکراتیک به‌عنوان الگوی کلان مورد اعتراض داعش، موافقت نامه سایکس پیکو به‌مثابه مبنای اصلی شکل‌گیری دولت و نظام منطقه‌ای مبتنی بر مرزهای ملی و الگوی وستفالی در کانون مسأله قرار می‌گیرد. ارگان رسانه‌ای داعش یعنی نشریه دابق در توضیح موافقت نامه سایکس پیکو چنین آورده: این موافقت نامه به‌طور رسمی موافقت نامه آسیای صغیر عنوان یافته و توافقی مخفیانه میان دو دولت بریتانیا و فرانسه بود که حمایت روسیه را نیز به همراه داشت. طی این موافقت‌نامه حوزه‌های نفوذ و کنترل در خاورمیانه برای قدرت‌های بزرگ تعریف شده و

در واقع اتفاق مثلث برای شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول را به همراه داشت (دابق، ۲۰۱۴: ۳۳). به طور کلی عواملی که موجب ظهور اسلام رادیکال شده‌اند را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم کرد. نخست، شرایط: که ویژگی‌های دائمی یا شبه‌دائمی هستند (برای مثال، شکست مدل‌های سیاسی و اقتصادی، ضدیت ساختاری با غرب‌گرایی، مرکزیت زدایی از اقتدار مذهبی در اسلام سنی). دوم: فرایندها: تحولاتی هستند که در طی زمان زیادی به وقوع پیوسته‌اند که می‌توانند نتایج خاص یا تعادل پایدار داشته باشند (برای مثال، تجدید حیات اسلامی، عربی‌سازی جهان مسلمان غیرعرب، کمک مالی خارجی از بنیادگرایی اسلامی و افراط‌گرایی، همگرایی اسلامی و قبیله‌گرایی، رشد شبکه‌های رادیکال اسلامی، ظهور رسانه‌های همگانی، منازعه فلسطین-اسرائیل و کشمیر). سوم: کاتالیزورها: تکامل‌های عمده‌ای هستند - جنگ‌ها یا انقلاب‌ها - که پویایی سیاسی در منطقه یا کشورها را به شیوه‌ای اساسی تغییر داده‌اند (برای مثال، انقلاب اسلامی ایران، جنگ افغانستان، جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، ۱۱ سپتامبر و جنگ جهانی علیه تروریسم). از جمله کاتالیزورهای جدیدتر برای گسترش افراط‌گرایی اسلامی می‌توان به انقلاب و جنگ و بی‌ثباتی‌های ناشی از خیزش عربی اشاره کرد (مانند انقلاب در لیبی، یمن و جنگ داخلی در سوریه).

در این میان، باید به القای آموزه‌های وهابی توسط عربستان و با چراغ سبز آمریکا در پاکستان و افغانستان در دهه ۱۹۸۰ اشاره کرد که بذر افراط‌گرایی اسلامی را در خود داشته و به منطقه خاورمیانه حتی سراسر جهان سرایت پیدا کرده است. باید خاطر نشان کرد که ایدئولوژی این گروه‌ها برای دهه‌ها، توسط دولت عربستان تبلیغ و گسترش یافته است و به دلیل اشتراک در جهت‌گیری کلامی و اینکه وهابی‌ها حداقل از ابتدای قرن ۲۰ میلادی مدعی سلفی‌گرایی بوده‌اند، سلفی‌ها با وهابیت عربستان سعودی شناخته می‌شوند. پادشاهی عربستان سعودی قرائت سلفی‌گرایانه از اسلام را حمایت می‌کند و تبلیغ و دفاعش از سلفی‌گرایی منبع مشروعیت خانواده حاکم آن از میانه قرن ۱۸ میلادی بوده است. از دهه ۱۹۲۰ پادشاهان سعودی به طور مستمر از سلفی‌گرایی در مصر، سوریه، عراق، جنوب آسیا و جاهای دیگر حمایت کرده‌اند و برای انتشار کتاب‌های این جنبش کمک مالی کرده‌اند (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۲۲-۱۲۱).

از لحاظ تاریخی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی -آخرین دولت بزرگ و مستقل اسلامی- اهل سنت دچار سرگشتگی فکری- سیاسی و چالش تضاد میان پدیده‌ی «امت» و «دولت-ملت» به معنای وستفالیایی آن شد. داعش و سایر گروه‌های سلفی-تکفیری و بنیادگرای فعال از سوریه و عراق، تا افغانستان و پاکستان و تا سومالی و نیجریه ملی‌گرایی را در قالب دولت-ملت مدرن و وستفالیایی مردود می‌دانند و چنین ساختاری را به طور اساسی نفی می‌کنند. در نتیجه آنها در تلاش‌اند تا مفهوم امت را در برابر ملت قرار داده و به دنبال احیای خلافت برآیند. جنبش‌های اسلامی مشکل عمده خود را اندیشه‌های غربی و نظام‌های تئوریک منبعث از غرب می‌دانستند. نظام‌های حکومتی مبتنی بر پایه‌های اومانیسیم و دموکراسی در غرب، اکنون توانسته بودند تجارب خود را در کشورهای مختلف غربی به عرصه ظهور رسانده و حکومت‌های مدرنی را پایه گذاری کنند. اما جنبش‌های اسلامی با چالشی عظیم مواجه بودند و آن وجود اندیشه بازگشت به نظام خلفای صدر اسلام، یعنی بازگشت به «وضع پیشین» بود. این اندیشه بازگشت به زودی به شکل‌گیری اندیشه تشکیل حکومت اسلامی منجر شد. چیزی که این دگرگونی را سریعتر کرد، مجموعه‌ای از واکنش‌های سنت‌گرایان در قبال سکولاریسم ترکیه، تجاوز و تهدید قدرت‌های غربی و پیامدهای بحران فلسطین بود که پس از سیطره رژیم صهیونیستی بر آن، به یک مساله محوری و بنیادی برای جنبش‌های عربی اسلامی تبدیل شد اما خاستگاه اصلی این تفکرات، بنیادگرایی بود. بعدها به بنیادگرایی، پسوند اسلامی نیز اضافه شد و این تفکر به یکی از اندیشه‌های سیاسی رادیکال تبدیل گردید. بنیادگرایی سلفی به ویژه در مصر ابتدا ترکیبی از بنیانگذاران وهابی دولت عربستان سعودی و تعالیم فرقه سلفیه ملهم از محمد عبده و محمد رشیدرضا بود که بازگشت به اسلام اولیه یا وضع پیشین را تبلیغ می‌کرد. این دو رگه بنیادگرایی بعدها از یکدیگر جدا شدند و سلفیه نمود فعالیت انقلابی و رادیکال و از سوی دیگر، وهابی‌گری مظهر محافظه‌کاری سخت شد (دین پرست، ۱۳۹۳: ۲-۳). در واقع به زعم سلفیان احیای خلافت می‌توانست سه بحران حکومت‌های فاسد، فاصله‌گیری جامعه از اسلام اصیل بر اساس درک سلفیان و حضور کفار در بلاد اسلامی را از بین ببرد. نقطه تلاقی این خواسته‌ها جهاد بود و جهاد به مثابه راهکاری مرکزی برای

احیای خلافت دانسته می شود. جریان های مختلف سلفی جهادی ذیل نگاهی از ایندست شکل گرفت؛ ولی هیچ یک موفق به ایجاد خلافت نگردید(کیوان حسینی و محمدی کیا، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

۴. تأثیر سلفی گرایی تکفیری در خاورمیانه

بحران های فوق الذکر، سرانجام منجر به بی ثباتی مستمر و ظهور گروه های افراط گرای خشونت طلب شد. پیش از بیداری اسلامی و خیزش های مردمی جهان عرب از سال ۲۰۱۰، افغانستان، پاکستان، عراق و نیجریه کشورهای اسلامی بودند که شاهد بی ثباتی های سیاسی عمده ناشی از فعالیت گسترده افراط گرایان تکفیری بودند. در اثر تحولات موسوم به بیداری اسلامی و تضعیف قدرت های حاکم یا وقوع انقلاب در این کشورها، اسلام گرایان افراطی که قرائت نادرستی از اسلام و تعالیم آن دارند، قدرت قابل ملاحظه ای پیدا کرده اند و در خلأ قدرت پدید آمده به خطر مهمی برای امنیت منطقه و حتی جهان تبدیل شده اند. اکنون عراق، سوریه، یمن، لیبی، ترکیه، تونس، لبنان و مصر درگیر جنگ یا بی ثباتی های سیاسی شدید ناشی از فعالیت جریانات سلفی شده اند.

قدرت فراوان افراط گرایان تکفیری سنی مذهب، ثبات منطقه خاورمیانه را به خطر انداخته و تهدید تروریسم و افراط گرایی بیش از هر زمان دیگری است. گروه های اسلامی افراط گرا در اثر خلأ قدرت پدید آمده توانسته اند تشکیلات قوی در منطقه ایجاد کنند و برخی مانند القاعده شاخه یمن و لیبی، گروه النصره (القاعده شاخه سوریه)، دولت اسلامی سینا (شاخه داعش در مصر) و داعش (دولت اسلامی در عراق و شام) به شکل بی سابقه ای قدرتمند شده اند، به گونه ای که گروه داعش اعلام خلافت جهانی کرد و مسلمانان جهان را ملزم به تبعیت از خود دانست. این گروه ها، جوامع منطقه خاورمیانه را به مبارزه طلبیده اند و ضربات مرگباری نیز بر آنها وارد کرده اند. براساس گزارش شاخص جهانی تروریسم (سال ۲۰۱۴) پنج کشور اول جهان که بیشترین ضربه را از فعالیت های تروریستی متحمل شده اند، کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه هستند که افراط گرایان تکفیری در آنها فعالیت کرده اند. همچنین، مرگبارترین حملات تروریستی سراسر جهان در سال ۲۰۱۳ مربوط به فعالیت های تروریستی افراط گرایان اسلامی بوده که ناشی از بمب گذاری، بمب گذاری انتحاری و حمله مسلحانه بوده است. این حملات

عموماً در منطقه خاورمیانه صورت گرفته است (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). در این میان، منطقه خاورمیانه و تا حدودی شمال آفریقا که کانون‌های اصلی شروع و گسترش این جریان بوده‌اند، قربانیان اصلی گسترش افراطگرایی می‌باشند. علاوه بر کشته شدن صدها هزار نفر از مردم این مناطق، بی‌ثباتی سیاسی و افزایش تهدیدات امنیتی، هزینه‌های زیاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کشورهای این مناطق به بار آورده است. گروه‌های افراطی مختلف مانند القاعده و داعش خواهان براندازی دولت در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده و در پی تشکیل دولت‌های اسلامی به سبک خود هستند. در راستای این هدف، اشکال مختلف بی‌ثباتی سیاسی را پدید آورده‌اند؛ از جمله جنگ داخلی در سوریه، عراق، لیبی و یمن، حملات تروریستی به مناطق مرزی کشورهای منطقه، بمب‌گذاری و عملیات انتحاری و تروریستی در مناطق مختلف از جمله در ترکیه، لبنان، تونس، عربستان، یمن و مصر، ترور شخصیت‌های سیاسی از جمله در تونس، غزه، لبنان و عراق. در واقع، امروزه برخلاف دهه‌های قبل، افراطگرایان اسلامی بیش از آنکه آمریکا و اسرائیل را دشمن نزدیک خود بدانند، حملات خود را متوجه مسلمانان و مردم منطقه خاورمیانه کرده‌اند.

پدیده‌ی دولت‌های ورشکسته یا ناکام، پس از ظهور جریان‌ات سلفی - تکفیری به طور قابل توجهی رشد یافته است. در منطقه خاورمیانه دولت‌های ورشکسته یا ناکام (پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه، یمن) و در معرض هشدار ورشکستگی (مصر و لیبی) وجود دارند که مأمّن و محیط گسترش بی‌ثباتی به کشورها و مناطق دیگر هستند. همچنین، دولت‌های ضعیفی مانند تونس و لبنان نیز هستند که کنترل چندانی بر قلمرو خود ندارند. در نتیجه خاک این کشورها محلی برای آموزش، عضوگیری و محل اختفای افراطگرایان شده است. این کشورها همسایگان خود را نیز در معرض بی‌ثباتی سیاسی قرار داده‌اند و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه نیز به شدت در معرض خطر سرایت بی‌ثباتی هستند.

افزون بر این، در تمام خاورمیانه مشکلات قومی، سیاسی و مذهبی وجود دارد که می‌تواند منشأ اختلاف و تفرقه مداوم باشد. برای مثال، از مهمترین زمینه‌های قدرت‌یابی داعش در عراق می‌توان به تفرقه مذهبی و سیاسی در این کشور اشاره کرد. در واقع،

بسیاری از اهل سنت عراق با تاکتیک‌های داعش و تلاش آن برای تحمیل قوانین اسلامی مخالف بودند، اما از آن به عنوان پیشتاز حمله به چیزی که آن را دولت شیعیان می‌دانستند، حمایت کردند (کاتزمن و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۹).

همچنین، منازعه‌های حل‌نشده بسیاری در منطقه وجود دارد که با تداوم بحران‌های ناشی از فعالیت جریان تکفیری می‌تواند اوضاع امنیتی منطقه را وخیم‌تر کند. برای مثال، می‌توان به مسئله فلسطین و سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد. جریان‌های تکفیری- تروریستی با ایجاد بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی در منطقه، ایجاد دودستگی بین دولت‌های مسلمان، تغییر دشمن نزدیک از آمریکا و رژیم صهیونیستی به شیعیان و کشورهای اسلامی به تضعیف محور مقاومت و جبهه مخالف توسعه‌طلبی‌های اسرائیل پرداخته‌اند. استهلاک قوای کشورهای اسلامی می‌تواند منبع دیگر افزایش ناامنی در منطقه و زمینه ساز جنگ‌های آینده رژیم صهیونیستی و دولت‌های مسلمان باشد (کریمی و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

پیشروی بیشتر اسرائیل از جمله افزایش ساخت‌وساز در سرزمین‌های اشغالی و ممانعت از تشکیل کشور مستقل فلسطین، انحراف افکار عمومی از موضوع فلسطین، از جمله کمک‌های افراط‌گرایان به اسرائیل است که در نهایت، موجب تداوم و حل نشدن معضل فلسطین و عامل تخاصم مداوم جنگ‌های احتمالی آینده است. برای مثال، در بهبویه جنگ اسرائیل و حماس در تابستان ۲۰۱۴، پیشروی‌های داعش و وحشت جهانی که در جریان فتح موصل پدید آورد توجهات را از کشتار زنان و کودکان فلسطینی منحرف کرد و آسودگی خیالی برای اسرائیل پدید آورد. در ادامه روندهای منطقه‌ای و جهانی تروریسم سلفی و گسترش فزاینده‌ی آن را مورد بررسی قرار می‌گیرد (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۲).

در طی دوره میان آغاز شورش‌ها در جهان عرب در اوایل سال ۲۰۱۱ تا اواخر سال ۲۰۱۵، پایگاه داده استارت که وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا از آن برای گزارش آمارهای تروریسم استفاده می‌کند، وقوع ۲۲/۰۶۲ مورد حادثه تروریستی را گزارش کرده است. این ارقام نشان از بی‌ثباتی‌هایی جدی دارد. پایگاه داده استارت یکی از بهترین و شفاف‌ترین پایگاه داده‌های طبقه‌بندی نشده درباره تروریسم است. اما، بررسی پایگاه داده استارت نشان می‌دهد که این اطلاعات از مشخص کردن اینکه کدام حملات را کدام

گروه‌های افراط‌گرای مذهبی انجام داده‌اند یا اینکه در نتیجه درگیری‌های فرقه‌ای روی داده، ناتوان است (کردزمن، ۲۰۱۷: ۷).

جدول شماره ۱:

مهم‌ترین گروه‌های تروریستی سلفی در فاصله ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴

مهم‌ترین گروه‌هایی که دست به حملات تروریستی هماهنگ زده‌اند		
گروه‌ها هماهنگ	حملات هماهنگ	درصد حملات
دولت اسلامی عراق و شام (داعش)	۷۵۷	۱۲ درصد
بوکو حرام	۵۵۸	۹ درصد
طالبان	۴۴۴	۷ درصد
القاعدة عراق	۴۰۰	۶ درصد
الشباب	۲۴۴	۴ درصد
جنبش طالبان پاکستان	۱۷۵	۳ درصد
شبه‌نظامیان فولانی (آفریقای غربی)	۱۰۴	۲ درصد
القاعدة شبه جزیره عربی	۱۰۳	۲ درصد
جبهه آزادی‌بخش اسلامی مراکش (ام‌ای.ال.اف)	۶۳	۱ درصد
جماعت اسلامی	۶۱	۱ درصد
جبهه مورو	۵۵	۱ درصد
حماس (جنبش مقاومت اسلامی)	۵۲	۱ درصد
افراد خودسر	۵۰	۱ درصد

منبع: برگرفته از کاتزمن، ۲۰۱۷: ۲۳

۵. تاثیر نوسلفیه بر جایگاه منطقه ای ایران

جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی - ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام منطقه ای را دارد. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه‌ی نفوذ امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن این که با برخورداری از بخش قابل

توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه ی خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به عنوان سوخت سیاست در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند (تقوی اصل، ۱۳۹۳: ۲).

در چهار دهه‌ی گذشته، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تحول موقعیت ژئوپلیتیکی ایران که مبنای تعاملات ایران با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را شکل داده است، همین اندیشه-های ایدئولوژیک مردم و حکومت ایران در قالب ایدئولوژی اسلامی- شیعی می‌باشد. اهداف حکومت ایران بر پایه‌ی همین اندیشه تعریف شده و همواره از داده‌های مادی خود همچون ژئوپلیتیک انرژی و دسترسی و دیگر پتانسیل‌های ملی خود در راستای رسیدن به اهداف اعتقادی و ایدئولوژیک خود بهره برده است و متقابلاً از همین عوامل نیز تأثیر پذیرفته است (نوزعیم، ۱۳۹۶: ۱).

بنابراین، ظهور گروه‌ها و جریانات سلفی-تکفیری موجب شد که هم از بعد ایدئولوژیک و هم از بعد ژئوپلیتیک، ایران بر سر راه یکی از دشوارترین آزمون‌های خود در دوران معاصر قرار بگیرد. آزمونی که در نهایت موجب نفوذ بیشتر ایدئولوژی آن و افزایش عمق استراتژیک و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی این کشور شد. عملیاتی شدن آموزش‌ها و آگاهی از انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنگ شهری و چریکی در صحنه نبرد، به رخ کشیدن قابلیت‌های مستشاری نیروهای نظامی ایران، عملیاتی کردن آموخته‌های نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه‌اندوزی از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند، افزایش مانورهای گسترده نظامی با هدف ارتقاء توان بازدارندگی، از جمله فرصت‌ها و مقادورات ظهور جریانات نوسلفی و گروه‌های سلفی-تکفیری برای جمهوری اسلامی ایران است (اسماعیل‌زاده امام‌قلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

درواقع ظهور جریانات سلفی- تکفیری علاوه بر چالش‌ها و معضلاتی که برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد، فرصت‌ها و مقادورات قابل توجهی را نیز ایجاد نموده‌اند. تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران، افزایش مشروعیت و اعتبار جبهه مقاومت،

عملیاتی شدن آموزش‌ها و تجربه جنگ‌های چریکی در صحنه نبرد، اثبات توانایی ایران به عنوان جزیره ثبات در منطقه‌ای بی‌ساختار و بی‌ثبات، مشروعیت یافتن نقش فعال ایران در منطقه و به ویژه در سوریه، انسجام سیاسی در درمیان گروه‌های شیعه در منطقه و به ویژه عراق، شکل‌گیری گروه‌های نظامی همسو با ایران، تقویت و ارتقای سیاست خارجی و دیپلماسی ایران، ارتقای موقعیت و جایگاه مرجعیت شیعه، افزایش مشروعیت اسلام شیعی میانه‌رو بود.

نتیجه‌گیری

درواقع جریان سلفی‌گری تکفیری با عقبه‌ی ایدئولوژیکی، در حلقه‌ی اول جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته و با اظهار شدیدترین نگرانی درباره‌ی این تحولات، به نوعی از خاستگاه‌ها و مراکز قبلی خود فاصله گرفته و عراق و سوریه را پایگاه اصلی فعالیت‌های خود قرار داد. در نتیجه‌ی تجمیع و هم‌افزایی توان سلفی‌گری، موجی از فرقه‌گرایی و چنددستگی قومی - مذهبی در خاورمیانه به وجود آمده است که دست‌کم در طول تاریخ معاصر بی‌نظیر است. به علاوه، مسائل متعددی در حوزه‌های سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و امنیتی پدید آمده است که جمهوری اسلامی ایران را به‌طور مستقیم در کانون تحولات خاورمیانه قرار داده است.

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مهم‌ترین دشمن این گروه بود که بیشترین ضربات را بر پیکره‌ی این گروه وارد آورد و توانست آن را در عراق و سوریه مهار کند. از نقاط قوت ایران در این زمینه می‌توان به ظرفیت اطلاعاتی ایران در منطقه، اجماع در خصوص مقابله با داعش میان دولت و مردم، نفوذ ایران بر دولت سوریه، تجارب نظامی ایران در جنگ با عراق، حضور در بحران سوریه، ساختار منسجم نیروهای مسلح و دست برتر نظامی، پیشرفت‌های علمی در زمینه صنایع دفاعی، موشکی و تولید علمی، برجسته شدن موقعیت ایران به دلیل رواداری قومی - مذهبی و حکومت مرکزی با ثبات، ایدئولوژی شیعی و نظام ارزشی آن، ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، قدرت نرم و توان بالای تولید محصولات فرهنگی، ذخایر عظیم نفت و گاز ایران، کشاورزی قدرتمند، سرزمین پهناور و جمعیت هشتاد میلیونی اشاره کرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقاط قوتی نظیر نفوذ نسبی بر شیعیان، نقش فعال در جنبش عدم تعهد و نداشتن سابقه

اقدامات تروریستی در منطقه و فرصت‌هایی مانند نتایج مذاکرات ۵+۱ و ایجاد فرصت چانه زنی در مذاکرات بین‌المللی به ارائه راهبردهایی کارآمد و مؤثر برای حل بحران‌های جاری در خاورمیانه اقدام کرد که در نهایت موجب نفوذ بیشتر ایدئولوژی آن و افزایش عمق استراتژیک و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی آن شد.

منابع

۲۷۷

اسماعیل زاده امامقلی، یاسر؛ احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵)، "داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸ (پیاپی ۴۸)، پاییز ۱۴۱۱۲۳.

افتخاری، قاسم (۱۳۹۰)، "ارزش ضدامنیتی بنیادگرایی؛ با تأکید بر نهضت سلفی وهابی"، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

بیگدلو، رضا و نایب پور، محمد (۱۳۹۵)، "تحلیلی تاریخی جامعه‌شناختی بر پیدایش جریان‌های سلفی و پیامدهای امنیتی آنها"، مطالعات تاریخ انتظامی، دوره دوم، شماره ۹، صص ۷۸۵۳.

پورحسن، ناصر و سیفی، عبدالمجید (۱۳۹۴)، "تقابل نئوسلفی‌ها با شیعیان و پیامدهای آن بر اتحاد جهان اسلام"، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۳۴۷.

تقوی اصل، سید عطا (۱۳۹۳)، تحولات اخیر عراق و تأثیرات آن بر ژئوپلیتیک ایران، سایت تابناک، قابل دسترسی در: <http://www.tabnak.ir>

دهسرخ، روح‌الله شهامت؛ حسنی، سیدعلی (۱۳۹۴)، "خشونت مذهبی در پناه نص‌گرایی (ظاهرگرایی) در اسلام و مسیحیت؛ با تأکید بر سلفی‌گری اسلامی و بنیادگرایی مسیحی"، فصلنامه معرفت ادیان، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، صص ۵۶۳۳.

ستوده، علی اصغر و جعفر خزائی (۱۳۹۳)، "آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه"، فصلنامه حیل‌المتین، سال سوم، شماره نهم، صص ۲۴۵.

عدالت نژاد، سعید (۱۳۹۰)، "سلفی تکفیری یا الجهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها"، تاریخ و تمدن اسلامی، سال هفتم، شماره سیزدهم، صص ۱۹۴۱۶۵.

کرم‌زادی، مسلم (۱۳۹۵)، "سلفی‌گرایی جهادیت‌کفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه"، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، صص ۱۴۲۱۱۳.

کیوان حسینی، سید اصغر و طیبه محمدی کیا (۱۳۹۶)، "مفهوم دولت در گفتمان داعش (دولت سلفی داعش: تحقق ناکام یک نظریه‌الترناتیو)، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۵۶۱۲۱.

کریمی، علی؛ گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴)، "ماهیت سیاسی جریان‌های تکفیری سوریه"، مطالعات ملی، دوره ۱۶، شماره ۳، صص ۱۲۰۱۰۱.



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نخست، شماره

بیست و پنجم

پاییز ۱۳۹۶

نوزعیم، محسن، "بررسی چالش‌ها و فرصت‌های عراق جدید برای منافع و امنیت ملی ایران"، انسان شناسی و فرهنگ، قابل دسترسی در سایت <http://anthropology.ir/article/29924.html> تاریخ دسترسی ۱۳۹۶/۵/۲۲.

Cavatorta, Francesco and Merone, Fabio (2017), **Salafism After the Arab Awakening: Contending with People's Power**, Oxford University Press.

Cordesman, Anthony (a)(2017), **After ISIS: Creating Strategic Stability in Iraq, Center for Strategic and International Studies**, available at:

<https://www.csis.org/analysis/afterisiscreatingstrategicstabilityiraq>.

Dabiq(2014), "A Message to the Mujahedin and the Muslim Ummah", No 19, available in: <http://www.Jihadology.net> accessed on 2017/2/16.

Green, Shannon, and Keith, Proctor (2016), "**TURNING POINT: A New Comprehensive Strategy for Countering Violent Extremism**", available at: <https://www.csis.org/.../turningpointnewcomprehensivestrategycounteringviolent>, accessed on 2017/8/28.

Katzman, Kenneth. et al (2017), "Iraq Crisis and U.S. Policy Washington", **Congressional Research Service**, available in: www.crs.gov.

Martini, Jeffrey, Heather, Williams, and Young, William (2017), **The Future of Sectarian Relations in the Middle East**, RAND Corporation, available at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE242.html>, accessed on 2017/7/8.

McCants, William(2016), **The ISIS Apocalypse: The History, Strategy, and Domsday Vision of the Islamic State**, Picador; Reprint edition.

Parsi, Trita(November 2016), **Maximizing the Opening with Iran: how president trump Can Secure american interests in the middle east**, National Iranian American Council.

۲۷۸

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

ارزیابی و
سنجش تاثیر
ظهور
جریان‌های
نوسلفیه بر
جایگاه
منطقه‌ای
جمهوری
اسلامی ایران